

## حکم شرعی و تقسیماتش

### احکام تکلیفیه و وضعیه

الف) احکام تکلیفیه:

التشريع الصادر من الله الذی ينظم افعال الانسان مباشرة (آن قانونی که از جانب خداوند صادر می‌شود برای تنظیم و سامان بخشی به زندگی انسان مستقیماً که می‌شود وجوب، حرمت، کراهت، استحباب، اباحه).

ب) احکام وضعی:

التشريع الصادر من الله الذی لا يكون موجهها لافعال الانسان مباشرة بل يوجد او ينظم وضعاً معيناً في جنب الحكم التكليفي او الاحكام التكليفي (..... مانند ملکیت و زوجیت).

(پاورقی بحث از حکم تکلیفی و وضعی معمولاً در کتب اصولی در باب استصحاب یافت می‌شود)

\* آیا احکام وضعیه مانند احکام تکلیفیه جعل مستقل دارند یا جعل مستقل ندارند و از احکام تکلیفیه گرفته شده اند؟

الف) قائلین به جعل مستقل همه احکام وضعیه.

ب) منکرین به جعل مستقل همه احکام وضعیه (پاورقی مانند شیخ انصاری که ایشان می‌گویند احکام وضعیه تماماً از احکام تکلیفیه گرفته شده است).

ج) قائلین به تفصیل (که شهید صدر هم جزء این گروه‌اند)

\* قائلین به تفصیل: احکام وضعیه دو دسته هستند

الف) احکام وضعیه که دارای جعل مستقل هستند: یعنی خودشان موضوع قرار می‌گیرند برای احکام تکلیفیه مانند زوجیت که موضوع شده است برای حکم تکلیفی وجوب انفاق، و وجوب تمکین.

ب) احکام وضعی انتزاعی که دارای جعل مستقل نیستند: یعنی خودشان جعل مستقل ندارند بلکه از حکم تکلیفی گرفته شده‌اند مثل جزئیت سوره که امر به مرکب آن یعنی کل صلاة تعلق گرفته است نه سوره (یعنی برای سوره به تنهایی حکمی جعل نشده است)

توضیح احکام وضعی انتزاعی:

پاورقی در یک تقسیم‌بندی امور و وجودات به سه دسته تقسیم می‌شوند.

(۱) امور حقیقیه: مثل جواهر و اعراض مانند:.....

(۲) امور اعتباریه یا بحته و محضه: که وابسته به اعتبار معتبراند و در خارج چیزی ندارند مانند:.....

(۳) امور انتزاعیه: الف) امور دارای منشاء انتزاع حقیقی، واقعی، و تکوینی مثال:.....

ب) امور دارای منشاء انتزاع اعتباری مثال:.....

در هر دو مورد اصل انتزاع واقعی و حقیقی است هر چند منشاء انتزاع اعتباری باشد مانند انتزاع جزئیت از مرکبی به نام صلاّه (که خود صلاّه اعتباری است ولی انتزاع جزئیت از صلاّه حقیقی است).

پس جزئیت و شرطیت و مانعیت از امور انتزاعی هستند، منشاء انتزاعشان هم یک امر اعتباری است ولی اصل این انتزاع یک امر واقعی است یعنی حقیقتا و واقعا انتزاع شده است از یک امر اعتباری پس باید صلاتی باشد تا جزئیتی از آن انتزاع شود یعنی حتما باید حکم تکلیفی باشد تا ما حکم وضعی جزئیت و شرطیت و مانعیت را از آن انتزاع کنیم

پس این گروه دوم از احکام وضعیه (وضعی انتزاعی) رتبتا متاخر از احکام تکلیفیه هستند

اما قسم اول از احکام وضعیه: که دارای جعل مستقل هستند مثل ملکیت و زوجیت و..... بر خلاف قسم دیگر رتبتا تقدم بر احکام تکلیفی دارند زیرا خود اینها موضوع می‌شوند برای احکام تکلیفی که بر آنها بار شود و تبعیتا هر موضوعی بر حکم خودش تقدم دارد

شبهه: وقتی حکم وضعی مثل زوجیت را می‌گویید و حکم تکلیفی وجوب نفقه و تمکین را بر آن بار می‌کنید، این زوجیت (حکم وضعی) جدای از احکام وجوب نفقه و تمکین (حکم تکلیفی) چیزی ندارد، پس حکم وضعی زوجیت و عنوان زوجیت لغو است زیرا این زوجیت چیزی جز همان حکم تکلیفی وجوب نفقه و تمکین نیست

جواب:

مقدمه: زوجیت (احکام وضعی) از عناوین و احکام تاسیسی اسلام نیست بلکه قبل از اسلام هم بوده و عقلا بماهیم عقلا چنین عناوینی را داشته‌اند و استفاده می‌کردند

اما اینکه چرا عقلا چنین کاری را کردند؟

زیرا هر قانون گذاری برای اینکه بخواهد قوانینی وضع کند لازم است یک شکلی به آن بدهد و عنوانی برای آن بگذارد و بعد احکام آن را بیان کند

پس جعل احکام وضعیه لغو نیست بلکه کار صحیح و عقلانی است

از آنجایی که جزوه در حال ویرایش هست، لطفا ایرادات احتمالی را حتما اطلاع بدید

۰۹۱۲۷۵۸۸۶۲۴ @abdorreza۱۲۸ کانال حلقه ثالثه ۳ halqeh